

گزارش

تاکید دولت بر گفت‌وگو با مردم هم‌زمان با جراحی بزرگ اقتصادی

دستور پزشکیان برای جلوگیری از برخورد امنیتی با معترضان

شرق؛ در روزهایی که کشور هم‌زمان با اجرای یک جراحی بزرگ اقتصادی، حذف ارز ترجیحی و اصلاح سازوکارهای حمایتی با فشارهای معیشتی و نگرانی‌های اجتماعی روبه‌روست، نحوه مواجهه دولت با مطالبات و اعتراضات مردمی اهمیتی دوچندان یافته است. در همین چارچوب، دستور صریح مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، مبنی بر جلوگیری از برخورد امنیتی با معترضان، به‌عنوان یکی از محوری‌ترین رویکردهای دولت چهاردهم، نشان‌دهنده تلاش برای تفکیک روشن میان «اعتراض مدنی» و «اغتشاش» است.
تاکید دولت بر شنیدن صدای مردم، به رسمیت شناختن اعتراضات صنفی و اقتصادی و پرهیز از رویکردهای سخت‌گیرانه، پیامی آشکار به جامعه می‌دهد که امنیت ملی از مسیر گفت‌وگو، مدارا و اعتمادسازی پایدارتر خواهد بود. هم‌زمان، دولت با مجموعه‌ای از تصمیمات اقتصادی و حمایتی ازجمله کنترل نوسانات ارزی، تأمین کالاهای اساسی، اجرای کالابرج الکترونیکی برای همه ایرانیان، حمایت ۷۰۰همتی از تولیدکنندگان و اصلاح نظام تسهیلات روستایی، می‌کوشد تبعات کوتاه‌مدت این جراحی اقتصادی را مدیریت کند.
تاکید بر رافت اسلامی در برخورد با پازداشت‌شدگان، حفظ حرمت حوزه سلامت و الزام مسئولان محلی به گفت‌وگوی مستقیم با مردم، نشان می‌دهد دولت تلاش دارد اصلاحات اقتصادی را در بستری اجتماعی و با کمترین هزینه امنیتی پیش ببرد؛ مسیری که موفقیت آن به میزان اعتماد عمومی و پایدنی عملی به همین دستور کلیدی رئیس‌جمهوری گره خورده است.

دستور پزشکیان بر جلوگیری از برخورد امنیتی با معترضان است

محمدجعفر قانم‌پناه در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت در جمع خبرنگاران با بیان اینکه رئیس‌جمهوری دستور داده برای اینکه به امنیت ملی خشه‌های وارد نشود، برخورد امنیتی با مردم مستقیم رخ ندهد، اظهار کرد: در عین حال کسانی که اسلحه، چاقو و قمه می‌کشند و به مراکز انتظامی و نظامی حمله می‌کنند اغتشاشگر هستند و صف معترضان را باید از اغتشاشگران جدا کرد.
معاون اجرائی رئیس‌جمهوری با بیان اینکه دولت اعتراضی به گرانی و مسائل صنفی را به رسمیت می‌شناسد، ادامه داد: درباره دستگیرشدگان ان‌شاءالله ناه‌های امنیتی در نهایت مهربانی با آنان برخورد خواهند کرد و با آنان که کارهای غیرمعمول نکرده و عامل بیگانه نباشند، با رافت اسلامی برخورد خواهد شد.
قانم‌پناه در زمینه نوسانات ارزی روزهای اخیر گفت: آقای همتی، رئیس کل بانک مرکزی، در جلسه هیئت دولت گزارشی ارائه کردند و قرار است نرخ ارز کنترل شود. نوسانات ارزی در این شرایط جراحی اقتصادی طبیعی است. او با بیان اینکه کالاها به اندازه کافی در پندرها و انبارها موجود است، ادامه داد: امیدواریم در دو تا سه روز آینده، موضوع رونق که یکی از اصلی‌ترین نیازهای مردم است، طبق دستور رئیس‌جمهوری حل شود.
با ادامه این جراحی اقتصادی، انتظاری می‌رود تا هفته آینده شرایطی حد زیادی بهبود پیدا کند و مسائل مربوط به تأمین کالاهای اساسی کنترل شود. او همچنین با تأکید بر اینکه در حال انجام یک جراحی بزرگ اقتصادی در کشور هستیم، تصریح کرد: تا امروز ارزی که ۲۸ هزار تومان بود را برای واردات کالاهای اساسی اختصاص می‌دادیم تا این کالاها با همان نرخ به دست مردم برسد. بخش زیادی از این فرایند، شامل گروه‌هایی می‌شد که به‌عنوان واردکننده، از تفاوت بین ارز دولتی و آزاد برره می‌بردند.
معاون اجرائی رئیس‌جمهوری افزود: وقتی این جراحی بزرگ اقتصادی انجام می‌شود، برخی انتظار دارند همچنان همان سودههای گذشته را داشته باشند، اما با اصلاحاتی که اتفاق افتاده، قطعا فسادهای گذشته از بین خواهد رفت و به همین دلیل است که صدای برخی افراد بلند شده است.

در وام‌های اشتغال‌زایی روستایی صرفا نگاه تسهیل‌گری نداریم

عبدالکریم حسین‌زاده در حاشیه جلسه دیروز در جمع خبرنگاران با بیان اینکه معاونت متبوشش در حوزه وام‌های اشتغال‌زایی روستایی صرفا نگاه تسهیل‌گری ندارد، گفت: نیازمند ساماندهی اساسی برای دسترسی راحت‌تر و آسان‌تر مناطق روستایی و محروم به تسهیلات هستیم، چراکه در این حوزه خلأهای بسیاری وجود دارد؛ نباید تصور کنیم که تنها وظیفه ما تسهیل‌گری اداری است، بلکه باید به یک جمع‌بندی جامع برسیم.
او افزود: مهم‌ترین مسئله این است که ما باید برای این موضوع، آمایش سرزمین ساماندهی کنیم، یعنی ظرفیت تخصیص تسهیلات متناسب با ظرفیت‌های واقعی موجود در هر منطقه تعریف و ارائه شود.
مسئله دوم، ایجاد یک پنجره واحد ملی برای دسترسی آسان همه روستاییان و ساکنان مناطق محروم به این تسهیلات است و سوم، تسهیلات اطشاده نباید رها شوند، بلکه باید بررسی کنیم که پس از ۱۸ ماه از پرداخت تسهیلات، این مشاغل تا چه اندازه پایدار و باقی مانده است.
معاون رئیس‌جمهور در امور توسعه روستایی و مناطق محروم کشور تصریح کرد: در این باره باید اقداماتی در دستور کار قرار گیرد؛ نخست باید یک دبیرخانه مشترک میان وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم شکل گیرد که کارها را به صورت منسجم پیش ببرد. همچنین ایجاد صندوق ضمانت تسهیلات خرد ضروری است؛ صندوقی که بتواند ضمانت این تسهیلات را برعهده بگیرد و مراقبت کند تا منابع به سمت بهره‌وری و تولید واقعی هدایت شود.
حسین‌زاده با بیان اینکه مشارکت محلی در این بخش حائز اهمیت است، خاطر نشان کرد: در بسیاری از طرح‌های اشتغال‌زایی در روستاها و مناطق محروم، به مشارکت محلی توجه کافی نداشته‌ایم. به‌عنوان مثال، بسته واقعی رسته‌های اشتغال هر استان تدوین نشده است. به‌عنوان مثال اگر به خراسان رضوی نگاه کنیم، در این استان، لایه‌های بالایی شامل قطعات بزرگ با منابع آبی بیشتر است، در پهنه‌های میانی محدوده‌های صنعتی و زیارتسی قرار دارند و در لایه‌های پایین، قطعات کوچک، خرد و کم‌آب وجود دارد. اگر بگوییم هر فردی بدون توجه به این شرایط هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، این در نهایت به بی‌سرنوشتی و بدسرنوشتی افشار جامعه منجر می‌شود و پس از مدتی، این افراد به بیچارگان بدهکار تبدیل خواهند شد؛ در حالی که ما باید متناسب با شرایط آنها مراقبت واقعی داشته باشیم.
او گفت: در گفت‌وگویی که امروز با وزیر امور اقتصاد و دارایی داشتم، مقرر شد در تمامی شاخص‌ها و مواردی که عرض کردم، اقدامات لازم انجام شود؛ از جمله ایجاد دبیرخانه مشترک، تشکیل صندوق ضمانت تسهیلات خرد، نظارت و پایش تسهیلات پس از ۱۸ ماه و همچنین راه‌اندازی پنجره واحد برای دسترسی مردم به این خدمات.
معاون رئیس‌جمهوری اضافه کرد: نباید به گونه‌ای عمل کنیم که مردم روستاها و مناطق محروم احساس کنند خدمات، تسهیلات و تسهیل‌گری فقط در اختیار شهرنشینان است.
چرا یک روستایی نباید بتواند برای تعویض گذرنامه، شناسنامه، کارت ملی یا حتی دریافت کد، خدمات تراکتور و سایر خدمات مورد نیاز خود از طریق یک پنجره واحد دسترسی داشته باشد؟ تسهیلات اشتغال‌زایی نیز باید یکی از همین خدمات باشد. حسین‌زاده در پایان تأکید کرد: باید دولت به یک جمع‌بندی واحد برسد تا هم مدغه‌های مجلس را برطرف کند و هم خدمات بهتری به افرادی که تسهیلات دریافت می‌کنند ارائه دهد.

بسته حمایت از تولیدکنندگان در دولت تصویب شد

فاطمه مهاجرانی در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت در جمع خبرنگاران از تصویب اختصاص بسته حمایتی ۷۰۰همتی دولت از تولیدکنندگان خبر داد و گفت: این بسته در راستای تأمین سرمایه در گردش و جبران تأمین نقدینگی با ارائه تسهیلات، کمک مالی به زنجیره تولید و تأمین از جمله اوراق کام، اعتبارات اسنادی و برات الکترونیک و وزارتخانه‌های صمت، جهاد کشاورزی، راه و شهرسازی انجام می‌شود.

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ در سال ۲۰۲۵، روابط ایران و ترکیه وارد مرحله‌ای از رقابت چندلایه شد که پس از سقوط بشار اسد، نفوذ ایران در شامات محدود و وزن راهبردی ترکیه افزایش یافت. با این‌حال، وابستگی‌های اقتصادی و ضرورت‌های امنیتی مانع تقابل آشکار شد. در ۲۰۲۶، سناریوی محتمل «رقابت کنترل‌شده» است؛ به این معنا که همکاری اقتصادی و دیپلماتیک حفظ می‌شود، اما رقابت ژئوپلیتیکی در سوریه، قفقاز و آسیای مرکزی تشدید خواهد شد. لذا بررسی تحولات روابط ایران و ترکیه در سال گذشته میلادی و ارزیابی سناریوهای محتمل برای سال ۲۰۲۶، محور گفت‌وگویی با محمد فرازمند، سفیر پیشین جمهوری اسلامی ایران در ترکیه، بحرین و مدیرکل اسبق خلیج فارس و وزارت امور خارجه است که مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

●●●

آ آنچه در مقطع کنونی درباره روابط ایران و ترکیه اهمیت ویژه‌ای دارد، ارائه یک تحلیل کلان از وضعیت این روابط در سال ۲۰۲۵ و همچنین ارزیابی چشم‌انداز آن برای سال ۲۰۲۶ است. در ادبیات تحلیلی روابط خارجی ایران، همواره از روابط تهران - آنکارا به عنوان ترکیبی از «تعامل و رقابت» یاد می‌شود. به همین دلیل، در این گفت‌وگو، وسع و آسپای مرکزی و قفقاز گرفته تا خاورمیانه، وارد رقابت ساختاری و چندلایه شده است. اگر به طور مشخص به سال ۲۰۲۵ نگاه کنیم، یک نقطه عطف مهم در ۸ دسامبر ۲۰۲۴ رقم خورد؛ یعنی سقوط دولت بشار اسد که موجب شد مناسبات تهران و آنکارا وارد مرحله‌ای جدید شود. در شرایطی که پیش‌تر روند آستانه به‌عنوان یک سازوکار موازنه‌سازی می‌توانست روابط دو کشور را تا حدی مدیریت و کنترل کند، اکنون با استقرار حکومتی در دمشق که به آنکارا نزدیک است و با کاهش محسوس نفوذ ایران در سوریه، به نظر می‌رسد وارد دوره‌ای متفاوت در روابط دوجانبه شده‌ایم. با توجه به این تحولات، از منظر شما در سال ۲۰۲۵ چه صرفصل جدیدی در روابط ایران و ترکیه گشوده شده است و چه سناریوها و آینده‌ای را می‌توان برای مناسبات تهران - آنکارا در سال ۲۰۲۶ متصور بود؟

سال ۲۰۲۵، همان‌طور که اشاره کردید، به‌شدت متأثر از تحولات سال ۲۰۲۴ و به طور مشخص وقایع دسامبر ۲۰۲۴ دمشق و سوریه بود. این تحولات تأثیر مستقیمی بر روابط ایران و ترکیه گذاشت؛ چراکه از منظر ایران، ترکیه در سوریه به تعهدات و توافقات اقتصادی، امنیتی و سیاسی پایبند نماند و از شفافیت گذشته استفاده و نقشی اساسی در سقوط بشار اسد ایفا کرد. از دیدگاه ایران، این اقدام قابل پذیرش نبود و همین مسئله موجب شد روابط دو کشور به طور محسوس تحت تأثیر قرار گیرد. در پی این تحولات، فضای تبلیغاتی میان دو کشور وارد فاز منفی شد و وقعه‌ای در رفت‌وآمدهای دیپلماتیک به وجود آمد. با این حال، هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، حدود ۱۰ روز پیش به تهران سفر کرد؛ سفری که قرار بود ماهه قبل انجام شود. همچنین سفر رئیس‌جمهور ترکیه، آقای اردوغان، به تهران که قرار بود در فاصله سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ انجام شود، به تعویق افتاد. با این حال، براساس اخباری که در حاشیه دیدار آقای هاکان فیدان منتشر شد، به نظر می‌رسد دو کشور در حال برنامه‌ریزی برای انجام این سفر هستند. در پاسخ به این نکته که روابط ایران و ترکیه ترکیبی از همکاری و رقابت است، با توجه به تجربیات چنددهه‌ای خود در حوزه همسایگان عربی، می‌توانم بگویم که روابط ایران و ترکیه نمونه‌ای کم‌نظیر از الگوی همسایگی است. تقریباً در تمامی موضوعات میان دو کشور، سازوکارهای مشخص همکاری وجود دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت موضوعی میان ایران و ترکیه نیست که فاقد یک یا چند سازوکار همکاری باشد. این ویژگی در مقایسه با روابط ایران با بسیاری از همسایگان منطقه‌ای، کم‌نظیر است و عملاً موضوع مغفولی در روابط دوجانبه وجود ندارد. برای مثال، یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در روابط میان کشورهای منطقه، به دلیل شرایط کم‌آبی، مسئله رودخانه‌های مرزی است. ایران و ترکیه از سال ۱۹۵۵ دارای پروتکل مشخصی درباره رودخانه‌های مرزی هستند. اگرچه تعداد این رودخانه‌ها محدود است، از جمله ساری‌سو و قره‌سو، اما حتی در این حوزه نیز برخلاف بسیاری از موارد مشابه با سایر همسایگان، میان ایران و ترکیه سازوکارهای تعریف‌شده‌ای وجود دارد. روابط سیاسی ایران و ترکیه در بالاترین سطوح حکامتی برقرار است و از سطح رؤسای جمهور تا وزرای خارجه و کمیته‌های تخصصی، به‌ویژه کمیته‌های امنیتی مرزی، به صورت منظم و دوره‌ای (سالانه، فصلی و ماه گانه) یکپزگی می‌شود. با اتکا به تجربه چند دهه تعامل در حوزه همسایگی، می‌توان رابطه تهران - آنکارا را الگویی کم‌نظیر از همسایگی پایدار دانست؛ رابطه‌ای ریشه‌دار که از قرون گذشته تاکنون، با وجود چالش و فرودها، هرگز به نقطه قطع نرسیده است. ترکیه به‌عنوان تنها همسایه عضو ناتو، جایگاهی ویژه در سیاست خارجی ایران دارد. حتی اختلافات جدی، از جمله بحران سوریه، نتوانست این رابطه را دچار انقطاع کند و سازوکار آستانه نمونه‌ای موفق از مدیریت اختلافات بود. تداوم گفت‌وگوها پس از تحولات اخیر سوریه پس از سقوط بشار اسد و برنامه‌ریزی برای سفر اردوغان، نشان‌دهنده وجود زمینه‌های تقاهم و درک مشترک نسبت به پیچیدگی‌های امنیتی منطقه، به‌ویژه در شامات است.

ک مایلیم از اینجابه بعد دیدگاه شما را به چالش بکشم. شما اشاره کردید که برای هر موضوع و هر تحول، میان ایران و ترکیه سازوکارهایی وجود دارد. اما اگر به طور مشخص نگاه کنیم، در موضوع قره‌باغ، سازوکار «۳+۳» شکل گرفت که عملاً به نتیجه نرسید و اکنون نیز مسیر موسوم به «ترامپ» عملاً جایگزین آن شده است؛ مسیری که هم طرف آذری و هم طرف ارمنی آن را پذیرفته‌اند و به‌ویژه گفته می‌شود که در سال ۲۰۲۶ وارد فاز عملیاتی خواهد شد. درمورد روند آستانه نیز، همان‌طور که خودتان اشاره کردید، معادلات سوریه به طور کامل دگرگون شده است. به نظر می‌رسد در هر سازوکاری که ترسیم شده، چه دوجانبه و چه چندجانبه نهایتاً ترکیه معادلات را به گونه‌ای پیش برده که اولویت اصلی، منافع آنکارا بوده و نه یک توازن واقعی دوجانبه. با این اوصاف، چگونه می‌توان گفت برای هر سازوکار و هر تحول، چارچوب‌هایی وجود دارد که واقعا برای ایران



آورده و دستاورد مشخصی داشته باشد؟ مکانیسم «۳+۳» در موضوع قره‌باغ و جنوب قفقاز اساساً یک موضوع دوجانبه میان ایران و ترکیه نبود، بلکه مسئله‌ای منطقه‌ای به شمار می‌رفت که فقط یک نشست کارشناسی نیز برگزار شد. این ابتکار شامل سه کشور قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و سه کشور همسایه (ایران، روسیه و ترکیه) بود. درمورد اینکه ابتکار اولیه از سوی چه کشوری مطرح شده، هر دو طرف، ایران و ترکیه این پیشنهاد را جدی تلقی می‌کردند. ایران معتقد است این پیشنهاد از سوی تهران مطرح شده و ترکیه نیز ادعا می‌کند که ابتکار از جانب آنکارا بوده است. با این حال، علت اصلی عدم تحقق کامل سازوکار «۳+۳» نه ایران بود و نه ترکیه....

ک طرف گرجی مانع بود.... بله، گرجی‌ها به‌صراحت اعلام کردند که در این سازوکار مشارکت نخواهند کرد که این تصمیم نیز عمدتاً به دلیل حساسیت‌های آنها نسبت به روسیه اتخاذ شد. به طور کلی، موضوع قره‌باغ و سازوکارهای مرتبط با آن، به‌ویژه پس از تحولات سال ۲۰۲۰ و حتی از دهه ۱۹۹۰ و زمان شکل‌گیری جمهوری‌های پناشوروی، عمده‌ا در حوزه نفوذ و مدیریت روسیه قرار داشته است. اگر روس‌ها به طور جدی خواهان پیشبرد یک سازوکار مشخص بودند، قطعاً امکان تحقق آن وجود داشت.

ک یعنی روسیه با مسیر موسوم به «ترامپ» موافق است؟ روسیه، دست‌کم در شکل و قالبی که به صورت رسمی اعلام شده، نمی‌تواند موافق «مسیر ترامپ» باشد. در این‌گونه موارد باید به یک نکته مهم توجه کرد و آن، علاقه شخص دونالد ترامپ به نام‌گذاری‌ها، نمایش‌های نمادین و القای حل‌وفصل مسائل پیشینده به نام خود است. برخی کشورها نیز از این رویه بهره می‌برند و موضوعاتی را که با پیش‌تر حل شده یا در آستانه حل‌وفصل قرار داشته، به صورت نمادین در کاخ سفید امضا و به نام ترامپ ثبت می‌کنند. آنچه در واشنگتن میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان امضا شد، درواقع پیش‌تر گرفته شده بود. این مسیر، برخلاف برخی ادعاهای منتشر شده، یک «کریدور» خارج از حاکمیت ارمنستان باشد، بلکه یک جاده ترانزیتی تحت حاکمیت کامل ارمنستان است که با نظارت‌های بین‌المللی همراه خواهد بود. حساسیت‌ها درباره زنگزور، نه به اصل ایجاد مسیر ترانزیتی، بلکه به احتمال شکل‌گیری دولتی خارج از حاکمیت ارمنستان مربوط می‌شد؛ موضوعی که نهنها ایران، بلکه روسیه نیز با آن مخالف بود. در شرایط کنونی، مسئله اصلی همچنان نامشخص‌بودن سازوکار نظارت و تضمین امنیتی این مسیر است. پیش از طرح موضوع در واشنگتن، گزینه محتمل نظارت امنیتی روسیه بود؛ اما اکنون هنوز روشن نیست چه بازگیری مسئول این نقش خواهد بود.

ک برداشت من این است که نگاه شما تا حدی تقلیل‌گرایانه است. ما با برگزاری نشست‌های آستانه، چه در سطح سران در دوره دولت آقای روحانی و چه در دوره مرحوم آقای رئیسی به نقطه‌ای رسیده‌بودیم که نوعی نظم میدانی در سوریه شکل گرفته بود؛ نظمی که براساس آن، ترکیه عملاً ادلب را در اختیار داشت، روسیه پایگاه‌هایی مانند حمصیم و تیسفر و مناطق پیرامونی لاذقیه را مدیریت می‌کرد و ایران نیز دمشق را در حوزه نفوذ خود می‌دانست. اما در عمل، به نظر می‌رسد آنکارا در پشت پرده، معادلات را به گونه‌ای مدیریت کرد که یک از وقایع مهم‌اتکبر، دمشق نیز از دست رفت. با توجه به این تجربه، به نظر نمی‌رسد بتوان با اطمینان گفت که معادلات امنیتی ترکیه، چه در قالب بحث زنگزور و احتمال ایجاد یک دالان تورانی، و چه در چارچوب پیوندهای ناتویی این کشور صرفاً به یک «جاده ترانزیتی» محدود می‌شود. این نگرانی وجود دارد که ایران ناگهان وارد معادلاتی شود که ابعاد واقعی آن از پیش برایش روشن نشده و ترکیه نیز همه لایه‌های پنهان سیاست خود را آشکار نکند.

برای جلوگیری از این سوءبرداشت که نگاه من تقلیل‌گرایانه است، باید تأکید کنم که بحث اصلی من اینست نبود که ایران و ترکیه در موضوع قفقاز یا سایر پرورنده‌ها به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند. در موضوع سازوکار «۳+۳» نیز عرض من این بود که اساساً این چارچوب، یک موضوع دوجانبه میان ایران و ترکیه محسوب نمی‌شود....

ک بلکه یک موضوع شش جانبه و منطقه‌ای است.... ایران و ترکیه هر دو مایل بودند که برای کاهش نقش بازیگران بزرگ‌تر، تصمیم‌گیری‌ها از سطح سه پایتخت ایروان، باکو و مسکو فراتر رفته و در قالب سازوکار «۳+۳» دنبال شود. از این منظر، مواضع تهران و آنکارا درباره اصل شکل‌گیری این مکانیسم همسو و مثبت بود. هرچند این همسویی به معنای فقدان اختلاف‌نظر در جزئیات نبود. تأکید من بر «وجود اختلاف نیست، بلکه ابزار مدیریت اختلافات است. درمورد سوریه نیز، این پرورنده دیگر در چارچوب روند آستانه یکپزگی نمی‌شود و اکنون به یک موضوع دوجانبه میان ایران و ترکیه تبدیل شده است. با این حال، نکته مثبت آن است که گفت‌وگوها

قطع نشده و ترکیه، با وجود اختلاف دیدگاه‌ها، از مذاکره درباره سوریه فرار نمی‌کند. این ویژگی مهم روابط دو کشور است؛ چراکه برخلاف برخی همسایگان که اختلافات خود را به نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی منتقل می‌کنند، ایران و ترکیه مسائل فی‌مابین را از مسیر مذاکره مستقیم دنبال می‌کنند و از آن فرار نمی‌کنند.

ک در سال‌های پایانی دولت آقای احمدی‌نژاد و همچنین در دوره دولت آقای روحانی، شاهد بودیم که آقای اردوغان ابتکاراتی را در ارتباط با پرورنده هسته‌ای ایران مطرح کرد؛ از جمله در موضوع تبادل سئود ۲۰ درصد و سایر ابتکارات میانجی‌گرانه. در سال ۲۰۲۵ به‌طور مشخص، ترکیه دو بار میزبان نشست‌هایی میان ایران و طرف‌های اروپایی در سطح معاونان وزرای امور خارجه بود که هر دو نشست بدون دستیابی به نتیجه مشخص پایان یافت. با توجه به این سوابق، این پرسش مطرح است که آیا در شرایط کنونی، ترکیه نیز به نوعی «تنش» جدی‌تری در رابطه میان ایران و غرب نیاز دارد و از تداوم چنین وضعیتی در چارچوب منافع راهبردی خود بهره‌مند می‌شود؟

در دور جدید مذاکرات مرتبط با پرورنده هسته‌ای ایران، درخواست‌های متعددی از سوی کشورهای منطقه برای ایفای نقش میانجی، تسهیلگر یا میزبان و همچنین برای تبادل پیام‌ها مطرح شد. این امر در مقایسه با دوره‌های گذشته یک تحول مهم محسوب می‌شود؛ زیرا کشورهای منطقه به جای اتخاذ موضع انفعالی یا مخالفت پیشینی با هرگونه توافق میان ایران و غرب، این‌بار آمادگی خود را برای کمک اعلام کردند. در این چارچوب، علاوه بر عمان به‌عنوان گزینه طبیعی ایران، قطر، ترکیه و عربستان سعودی نیز اعلام آمادگی کردند. با این حال، این میانجی‌ نهایی برعهده ایران بود و این انتخاب به عمان سپرده شد. این تصمیم به معنای ناپدیدگرفتن حسن نیت سایر کشورها نبود و ایران برای تلاش‌های ترکیه، قطر و عربستان نیز ارزش قائل است. انتخاب عمان تصمیمی عقلانی بود، زیرا او کشور در سیاست خارجی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و سطحی از اعتماد متقابل در زمینه انتقال پیام‌ها میان دو طرف شکل گرفته است؛ اعتمادی که عمان را به یک میانجی صادق و قابل اعتماد تبدیل می‌کند.

ک با این حال، گفته می‌شود که آقای ترامپ در سطح شخصی، اردوغان را دوست دارد. چرا اردوغان نمی‌تواند از وزن و نفوذ خود استفاده کند؟ به‌ویژه با توجه به اینکه در دوره دولت آقای احمدی‌نژاد، ترکیه چنین نقشی را ایفا می‌کرد. اینکه گفته می‌شود آقای ترامپ شخصاً آقای اردوغان را «دوست دارد»، گزاره‌ای است که در عالم سیاست به‌سختی می‌توان آن را به صورت قطعی پذیرفت. خود آقای ترامپ در مقاطع مختلف، تعابیر بسیار تندی نیز درباره آقای اردوغان به کار برده است. با این حال، می‌توان گفت که دو طرف تا حدی زبان یکدیگر را پیدا کرده‌اند. برخی رهبران منطقه از جمله آقای اردوغان، براساس تجربه دوره نخست ریاست‌جمهوری ترامپ، توانستند شیوه تعامل با او را تا حدی بیاموزند. در دوره دوم، ترامپ مدتی چندباره با واشنگتن به نشانه تحسین و احترام برای بسیاری از بازیگران منطقه روشن‌تر شده بود.

ک با این وجود، چرا اردوغان امروز به اندازه گذشته فعال نیست؟ شما از کجا می‌دانید که فعال نیست.... **ک** ولی پیشنهادی نمی‌بینیم. پیشنهاد که همیشه بوده است. در گذشته نیز ترکیه خود پیشنهاد ایفای نقش میانجی را ارائه می‌کرد و این ظرفیت همچنان وجود دارد. آقای هاکان فیدان پیش از سفر به واشنگتن با آقای عراقچی تماس می‌گرفت تا بررسی کند پیامی وجود دارد یا خیر. میزان فعالیت ترکیه بستگی به تصمیم ایران دارد. مشابه موضوع پیام‌های منتشرشده توسط عربستان هنگام سفر محمد بن‌سلمان به واشنگتن که نشان‌دهنده انتظار طرف مقابل برای اقدام ایران بود. عدم بهره‌گیری از میانجی‌های متعدد، تابع سیاست‌گذاری ایران است.

ک درخصوص سفر اخیر هاکان فیدان به تهران از زاویه دیگری ورود کنیم. به نظر می‌رسد که ماه‌عسل اردوغان و احمد الشرح، بیش از یک ماه طول نکشید و هم‌اکنون وضعیت مشابهی که پیش‌تر برای ایران در سوریه رخ داد، برای ترکیه تجربه می‌شود

همچنان وجود دارد. این میزبان فعالیت ترکیه بستگی به تصمیم ایران دارد. مشابه موضوع پیام‌های منتشرشده توسط عربستان هنگام سفر محمد بن‌سلمان به واشنگتن که نشان‌دهنده انتظار طرف مقابل برای اقدام ایران بود. عدم بهره‌گیری از میانجی‌های متعدد، تابع سیاست‌گذاری ایران است. **ک** درخصوص سفر اخیر هاکان فیدان به تهران از زاویه دیگری ورود کنیم. به نظر می‌رسد که ماه‌عسل اردوغان و احمد الشرح، بیش از یک ماه طول نکشید و هم‌اکنون وضعیت مشابهی که پیش‌تر برای ایران در سوریه رخ داد، برای ترکیه تجربه می‌شود

گفت سفر آقای هاکان فیدان تنها به یک موضوع محدود می‌شود. معمولاً سفرهای وزیر امور خارجه ممکن است به یک مسئله فوری مرتبط باشد، اما در عمل درباره مسائل متعوع گفت‌وگو می‌شود. آقای فیدان نیز ملاقات‌های متعددی در

شرق

ایران داشت و اگر این سفر مقدمه‌ای برای سفر رئیس‌جمهور ترکیه به ایران باشد، طبیعتاً زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی برای موضوعات مختلف نیز صورت گرفته است. آخرین سفر در سطح سران مربوط به دی‌ماه ۱۴۰۲ و سفر مرحوم آقای رئیسی بود و امید است سفر سران در ماه‌های باقی‌مانده سال ۱۴۰۴ انجام شود. تحولات اخیر سوریه نیز احتمالاً در برنامه‌ریزی این سفر مؤثر بوده است.

ک در صورت وقوع سفر آقای اردوغان، برخی رسانه‌ها مدعی هستند که او پیش‌شرط‌هایی مطرح کرده و در صورت دریافت «چراغ سبز» از ایران، سفر را انجام خواهد داد. آیا مناسبات دو کشور به چنین مرحله‌ای رسیده است که پیش‌شرطی برای سفر رئیس‌جمهور ترکیه وجود داشته باشد؟

براساس تجربه کاری من با ترکیه، به یاد ندارم که برای سفر رؤسای جمهور پیش‌شرطی تعیین شده باشد. پیش‌شرط‌ها معمولاً زمانی مطرح می‌شوند که روابط میان دو کشور سرد یا محدود باشد. در شرایط فعلی که مناسبات ایران و ترکیه فعال و مستمر است، بسیار بعید است ترکیه یا ایران بخواهند پیش‌شرطی برای این سفر تعیین کنند یا پاسخی به آن بدهند. **ک** آیا فیدان صرفاً یک وزیر خارجه است؟ برخی معتقدند او چه‌راهه امنیتی و اثرگذار در سیاست خارجی ترکیه است و ممکن است معادلات پس از اردوغان را مهندسی کند. آیا می‌توان روی او برای آینده روابط حساب باز کرد؟

آقای فیدان صرفاً یک وزیر خارجه بوروکرات نیست. او پیش از وزارت، در سازمان اطلاعات ترکیه خدمت کرده و تجربه بین‌المللی گسترده‌ای دارد. ازجمله نمایندگی ترکیه در آژانس بین‌المللی انرژی. او در حزب عدالت و توسعه جایگاه بالایی دارد و چه‌راهه برجسته در فضای سیاسی ترکیه محسوب می‌شود.

ک آیا می‌توان روی او برای برنامه‌ریزی آینده روابط حساب کرد، با توجه به اینکه گفته می‌شود مهندسی معادلات ترکیه پس از اردوغان در اختیار اوست؟

من نمی‌توانم صرفاً به عنوان یک تحلیلگر مستقل اظهار نظر کنم، زیرا سادۀ سفارت داشته‌ام. البته الان نایب‌نخست‌هستم و آنچه بیان می‌کنم نظرات شخصی من است، اما گفته‌هایم یک باری دارد....

ک بار حقوقی!

نه بار حقوقی، بار سیاسی دارد. اما به هر حال نقش آقای هاکان فیدان در سیاست خارجی ترکیه و آینده او به تصمیم مردم ترکیه و حزب عدالت و توسعه در انتخابات آینده (۲۰۲۸) بستگی دارد. با این حال، آن زمان فرصت‌های متعددی برای تعامل دیپلماتیک با او وجود دارد. ارتباط با وزیر خارجه کشوری مانند ترکیه اهمیت قابل توجهی دارد و می‌تواند تأثیر عمیقی بر مناسبات دو کشور داشته باشد. دوره حزب عدالت و توسعه در روابط ایران و ترکیه، به لحاظ دیپلماتیک، مثبت‌تر از دوره‌های لایحه بوده است. هرچند تحلیل بیرونی این دسته‌بندی‌ها را ساده‌سازی می‌کند.

در دیپلماسی، حفظ ارتباط با احزاب و شخصیت‌های سیاسی پیش از رسیدن آنان به قدرت، یک رویه پسندیده است. تجربه ایران در عراق پس از ۲۰۰۳ و همچنین در زمان نخست‌وزیری مرحوم نجم‌الدین اربکان در ترکیه در دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که ارتباطات قبلی با سیاستمداران و نمایندگان پارلمانی می‌تواند به شکل مؤثر در زمان تصدی مقامات دولتی مورد استفاده قرار گیرد. چنین رویکردی امکان بهره‌برداری از فرصت‌ها بدون ورود به خطوط قرمز و دخالت در امور داخلی کشور دیگر را فراهم می‌کند و منجر به ایجاد روابط متوازن و پایدار در حوزه دیپلماسی می‌شود.

ک اردوغان به‌عنوان مشاورک نجم‌الدین اربکان، در بازه زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ و در جریان معادلات بهار عربی و تحولات سوریه رابطه‌ای جدی با ایران نداشت تا کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ که حتی شیاعیاتی نیز مطرح بود، مبنی بر اینکه اردوغان برای یک شب در تبریز حضور داشته است، اما این موضوع اهمیت چندانی ندارد. ولی پس از آن بود که روابط میان دو کشور به گرمی گرایید.

این موارد روایت‌هایی است که مستندات رسمی برای آن وجود ندارد....

ک با این حال، آیا قبول دارید که پس از ۲۰۱۶ تغییرات جدی رخ داد؟

در آن مقطع، آقای دکتر ظریف وزیر خارجه بودند و ایشان تأکید می‌کنند که سندی برای تأیید آن نقل‌قول‌ها وجود ندارد. در جریان بهار عربی، ایران و ترکیه تنها درمورد تحولات سوریه اختلاف داشتند....

ک منظورم دقیقاً تحولات سوریه است....

بله، در سوریه اختلافاتی با ترکیه وجود داشته است، اما این به معنای قطع رابطه نیست. قرارداد کاری ایران و ترکیه، که در دوره مرحوم نجم‌الدین اربکان بسته شد، تاکنون حتی در مقاطع محدود کار در کشور، بدون وقفه استمرار داشته است که در همین سال

۲۰۲۶ به پایان می‌رسد. یکی از ویژگی‌های کلیدی روابط

ایران و ترکیه، پایداری آن است؛ ممکن است روابط به «هو» برسند، اما هرگز «باره» نمی‌شود. این پایداری نه‌تنها به اراده رهبران بستگی دارد، بلکه محصول گستردگی روابط اقتصادی، ترانزیتی، اجتماعی و مردمی در طول نزدیک به یک قرن است. اراده رهبران صرفاً ترجمه‌کننده ظرفیت‌های موجود در این رابطه است. مگر ترکیه می‌تواند مسیر رسیدن به آسیای مرکزی، افغانستان و پاکستان را نادیده بگیرد....

فرارزنده: تحولات دسامبر ۲۰۲۴ در سوریه روابط ایران و ترکیه را در سال ۲۰۲۵ به طور محسوسی تحت تأثیر قرار داد و موجب تنش سیاسی و وقفه دیپلماتیک شد. با این حال، سفر اخیر وزیر خارجه ترکیه به تهران و رزمه سفر اردوغان نشان‌دهنده تلاش دو طرف برای ترمیم و مدیریت روابط است

<div><div>۵۳</div></div>	<div><div>۵۳</div></div>
<div><div>۱۱</div></div>	<div><div>۱۱</div></div>

<div><div>۱۱</div></div>	<div><div>۱۱</div></div>
<div><div>۱۱</div></div>	<div><div>۱۱</div></div>